دوفصلنامه علمی ـ تخصصی انجمن ادبیات
سال ششم/ شماره ۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۲

Two scientific-specialized quarterly journals of Tabligh Scientific Research Association
Year. 6/ No. 6 Spring and Summer 2023

نگاه به آیات وروایات ادبی عصمت امامان علیهم‌السلام: آیات خاص (آیه تطهیر) (۳)

□ محمدحسین رضایی *

چکیده

یکی از ایات که خاصتا در شأن اهلبیت علیهم‌السلام وارد شده است، آیه تطهیر است. ارادة خداوند متعال دو قسم است: اول تشریعی که احتمال تخلف از آن ممکن است. یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر (بقره: ۱۸۵). دوم تکوینی که همان اراده حتمی خداوند است که احتمال تخلف در آن راه ندارد. ﴿**إنما امره إذا اراد شیئاً أن یقول له کن فیکون**﴾ (یس:۸۲). ۲ ارادة حتمی و تکوینی خداوند، به برطرف نمودن رجس و پلیدی از اهلبیت علیهم‌السلام تعلق گرفته است. طبق روایات که در منابع فریقین بیان گردیده‌اند اهلبیت برای پنج تن آل عبا وباقی ائمه اطهار علیهم‌السلام اطلاق می‌گردد. کلمة انما در آیه طبق تصریح علمای لغت و ادبیات عرب دلالت برحصر می‌کند. معنی اراده در آیه تکوینی است، نه تشریعی، به این معنی که خداوند خواسته است اهلبیت علیهم‌السلام از هرگونه پلیدی از جمله گناه و معصیت به دورند. تطهیردر آیه جز پاکی از پلیدهای روحی ومعنوی که ملازم با عصمت می‌باشد چیزی دیگر نیست. مفهوم اهلبیت از نظر لغت و عرف، مقصود خداوند از این کلمه در آیه کریمه، جز خمسه طیبه علیهم‌السلام کسانی دیگر نمی‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: عصمت، اهلبیت، عطرت، اراده، رجس، تکوینی و تشریعی.

---

*. دانش آموخته سطح ۴ رشته فقه و اصول جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیة.

مقدمه

بی شک برترین علم، علمی است که زیادتی معرفت ما نسبت به «راسخان علم» را در پی داشته باشد و ما را به دلسوز آموزگارانی که «علام الغیوب» شان علم آموخته و خود سرچشمهٔ همه علوم هستند، نزدیك سازد. هرچند در این راستا می‌توان دریچه هایی مختلف به سوی آن «معادن نور» گشود و کسب فیض نمود، ولی به خواست خداوند و عنایات خاصة ولی نعمت مان «حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف» در این نوشتار برآنیم که «عصمت» ایشان (امامان علیهم‌السلام) را که از ریشه ای ترین مباحث امامت است، مورد بحث و کنکاش قرار دهیم.

پس از پس ازپرداختن به آیاتی ادبی که به نحو عموم ودلالت بر عصمت ائمه علیهم‌السلام داشتند، در دو بخش خدمت خواننده گان ارائه گردید، اینك در این بخش از نوشتار برآنیم نگاهی به آیاتی داشته باشیم که در خصوص اهلبیت و ائمه اطهار علیهم‌السلام نازل گردیده ودلالت بر عصمت آنان دارند. در این زمینه یکی از آیات که در رابطه با شأن اهلبیت علیهم‌السلام نازل شده است، دلالت برعصمت آن انوار قدسیه دارد آیه تطهیر است، لذا مباحث این بخش اختصاص به این آیه مبارکه خواهد داشت. باتکیه بر نکات ادبی آیه و الفاظ بکار رفته به این مهم پرداخته خواهد شد. دربخشهای قبلی مفاهیم، که دلالت بر عصمت اهلبیت علیهم‌السلام داشتند.مفصلا در بخش مفاهیم بیان گردید، لذا دراین بخش از تکرار آنهاخود داری میشود.خواندگان می‌توانند به مباحث بخشهای قبل مراجعه نمایند.

متن وکلمات ادبی در آیه

متن آیه: «**إِنَّما یرِیدُ اللَّهُ لِیذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیتِ وَ یطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً**» (احزاب:۳۳)

دلالت کلمه «انّما»

این کلمهٔ طبق تصریح علمای لغت و ادبیات عرب دلالت برحصر می‌کند.

ابن منظور: «اگر بر «إن» «ما» اضافه شود دلالت بر حصر و تعین دارد؛ مانند قول خداوند

«**إنما الصدقات للفقراء و المساكين**» در این جا دلالت آیه برای اثبات حکم برای مذکور (فقراء و مساکین) می‌باشد و نفی از غیر آن دارد». (ابن منظور، ١٤١٤: ١، ٢٤٥)

فیروز آبادی: « ‹إنّما› مانند ‹أنّما› مفید حصر است و در آیة «**قل إنما يوحى الى أنّما الهكم إله واحد**» جمع شده است. (فیروز آبادی،١٤١٣: ٥، ٢٠٧٣)

ابن هشام در باب اول مغنی اللبیب نیز إنّما را دال بر حصر و تعیین می‌داند. (ابن هشام، ١٣٧٨: ١، ١٦)

اینکه کلمة «إنّما» – بنابر آنچه در کتب لغت و ادبیات عرب آمده است– دلالت بر حصر و تعین دارد هیچ تردید وجود ندارد، اما با وجود قرینه، آن را می‌تواند در غیر حصر هم بکار برد. در چنین حالت استعمالش مجازی خواهد بود، چرا که بر اساس قرینه می‌باشد.

اشکال فخر رازی

فخررازی دلالت کلمة «إنّما» را بر حصر مورد اشکال قرار می‌دهد، می‌گوید: «إنّما» نمی‌تواند برای حصر باشد، زیرا خداوند در آیه ٢٤ سوره یونس می‌فرماید: «إنّما مثل الحيوة الدّنيا كماء انزلناه من السماء» یعنی بدرستی که زندگی دنیا مانند آبی است که آن را از آسمان نازل کردیم در حالیکه بدون شك زندگی دنیا تنها این مثل را ندارد، بلکه مثلهای دیگری نیز برای زندگی دنیا در قرآن ذکر شده است، لذا «إنّما» در این آیه نمی‌تواند دلالت بر حصر و تعین داشته باشد، مثل زندگی دنیا منحصر فقط در آب که از آسمان نازل می‌شود نیست و مثلهای دیگر هم برای فنای دنیا وجود دارد. (فخر رازی، بیتا: ٦، ٣٠)

جواب فخررازی

اولاً حصر بر دو گونه است: حصر حقیقی و حصر اضافی.

حصر حقیقی: مانند لا اله الا الله «معبودی جز خداوند نیست».

حصر اضافی: پندار مخاطب را نفی می‌کند مانند کسی که می‌پندارد، زید نشسته است، برای اینکه پندار غلط را از او نفی کند گفته می‌شود «إنما جالس عمرو» یعنی آن کس که نشسته است فقط عمرو است نه زید، لذا این کلام به هیچ وجه در صدد این نیست که بگوید افراد

نشسته در جهان فقط عمرو است نه کسی دیگر، بلکه می‌خواهد بگوید که پندار مخاطب غلط است. (طبرسی، بیتا: ۸، ۳۸۵)

در آیه نیز چنین است، چون مثل که برای دنیا آورده شده است حاکی از انقطاع و فنا است، یعنی می‌خواهد بگوید این طور نیست که دنیا دارای دوام و استمرار باشد - که پندار اهل دنیا است- لذا می‌خواهد چنین پنداری را از آنها نفی کند.

ثانیاً: «إنّما» از نظر لغوی برای حصر وضع شده است، ولی با قرینه در غیر حصر هم می‌تواند مجازاً بکار رود. در آیه که فخر رازی بعنوان نقض مطرح می‌کند، بر فرض استعمال «إنّما» در غیر حصر، با وجود قرینه بوده است واین دلیل نمی شود که بدون قرینه هم در غیر حصر بکار رود. در آیه تطهیر معنای حقیقی که همان حصر باشد مراد است بدین معنا که طهارت را خداوند فقط برای افراد خاصی منظور نموده است که خمسة طیبه (صلوات الله علیهم اجمعین) می‌باشند.

شیعه بر این آیه استدلال بر عصمت اهلبیت علیهم السلام نموده اند می‌گویند: لفظ «إنّما» در آیه تحقق دهندة آنچه بعد آن می‌آید می‌باشد و آنچه در آن نیست نفی می‌کند، مثل اینکه کسی بگوید «إنّما لك عندی درهم» و«إنّما فی الدار زید» که معنای آن این است نزد او جز درهم چیز دیگری نیست و یا در خانه غیر زید کسی دیگر نیست. (همان: ۳۵۷) این جا نیز ارادة خداوند بر پاکی اهلبیت علیهم السلام قرار گرفته است نه کسانی دیگر، زیرا فقط آن ها است که از هر رجس و ناپاکی منزه و مبرّا هستند. محصور شدن جمله بواسطة «إنّما» و مقدم شدن جار و مجرور «عنکم» بر مفعول به «الرجس» نیز اختصاص و انحصار را افاده می‌کند. (نقی پور فر، ۱۳۸۰: ۲۵٦)

معنای اراده

اراده در آیه تکوینی است، نه تشریعی، به این معنی که خداوند خواسته است که اهلبیت علیهم السلام از هرگونه پلیدی از جمله گناه و معصیت به دور باشند، اگر اراده در این جا تشریعی می‌بود معنا نداشت که آن را اختصاص به اهلبیت علیهم السلام بدهد، زیرا اراده تشریعی از جانب خداوند برای

همة مکلفین یکسان است، آیه کریمه به گواهی احادیث بسیار که در منابع حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت آمده است، متضمن تمجید و ستایش خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند، اگر اراده تشریعی در این جا مراد می‌بود، تمجید و ستایش معنی نداشت، زیرا آن چیزی است که به اقتضای تکلیف شامل همة ملکفین می‌شود.

بنابراین ارادة تکوینی است که قطعاً اراده خداوند بر اذهاب رجس از اهلبیت علیهم‌السلام و کسانی که در حکم اهلبیت هستند مثل امامان معصوم علیهم‌السلام تعلق گرفته است نه غیر آنها، (﴿**إنّما امره إذا اراد شیئاً أن یقول له کن فیکون**﴾. آیه می‌خواهد بگوید: وقتی خداوند امری را اراده کرد قطعاً مرادش تحقق پیدا می‌کند، در آیه ای تطهیر متعلق اراده ای خداوند تحقق پیدا کرده است این طور نیست که خبر از تحقق این امر در آینده داده باشد. (یس: ۸۲)

هنگامی که ثابت شد اراده در این جا (آیه تطهیر) تکوینی است نه تشریعی، عصمت اهلبیت و امامان معصوم علیهم‌السلام ثابت می‌گردد؛ زیرا از آیه کریمه می‌آموزیم که تحقق اراده خداوند دایر بر طهارت و پاکیزگی اهلبیت علیهم‌السلام بر کناری آن ها از هرگونه آلودگی و پلیدی است، که این همان مصونیت الهی و عصمت آن انسان‌های برگزیدة خداوند می‌باشند. تحقق چنین ارادة برای اهلبیت علیهم‌السلام حکایت از شرافت باطنی منحصر به فرد آن ها و سلب تطهیر از منافقین ویهود و خباثت باطنی آن ها گزارش می‌دهد. (نقی پورفر، ۱۳۸۰: ۲۵۷) می‌شود گفت در این جا مراد از اراده همان اراده تخلف ناپذیر خداوند است مخصوصاً باتوجه به کلمة «إنما» که برای حصر و تأکید آمده است. یعنی ارادة خداوند بر این تعلق می‌گیرد که اهلبیت علیهم‌السلام از هرگونه رجس و پلیدی پاك و منزه باشد، این نیست مگر همان مقام عصمت برای آنها.

این ارادة مستمر خداوند اشاره به نوع امداد مخصوص برای اهلبیت علیهم‌السلام دارد که آن ها را بر عصمت و ادامه آن یاری می‌دهد. در عین حال منافات با آزادی و اختیار شان نیز ندارد. (طباطبایی،۱۳۹۳: ١٦، ۳۰۹) معنای این فراز از زیارت جامعه کریمه نیز این مطلب را می رساند. «عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً» «خداوند شما را از لغزش ها حفظ کرد و از فتنه ها و انحرافات در امان داشت و از آلودگی ها پاك ساخت وپلیدی ها را از شما دور نمود و کاملاً تطهیر کرد.

معنی رجس

تا کنون روشن گردید که اراده تکوینی خداوند بر این تعلق گرفته است که «رجس» را از اهلبیت علیهم السلام دور گرداند و آن ها را پاک و طاهر سازد، برای توضیح بیشتر موضوع باید دید «رجس» چیست که خداوند آن را از وجود مقدس اهلبیت علیهم السلام دور ساخته است؟

اهل لغت آن را هم به معنی آلودگی‌های جسمی و ظاهری و هم به معنی آلودگی‌های باطنی و درونی می‌دانند. (ابن فارس، ۱۳۲۰ق: ۲، ٤۹۰)

اما آنچه در قرآن از آن ها به «رجس» تعبیر شده، عبارت است از نجاسات، همچون: مردار، خون، گوشت خوك، (انعام:١٤٥) شراب و قمار (مائده:۹۰) ضلالت، ضیق صدر، (انعام:۱۲۵) بت، (حج:۳۰) عدم ایمان بخدا (یونس:۱۰۰) و امراض قلبی. (توبه:۱۲۵)

از مواردی که در قرآن از آن ها به «رجس» تعبیر شده است می‌توان فهمید نه تنها آلودگی‌های ظاهری بلکه آلودگی‌های باطنی ومعنوی نیز «رجس» محسوب می‌شود والف و لام «الرجس»، در آیه جنس است و افاده عموم را می‌کند. با اینکه در قرآن واژه «رجس» بیشتر برای بیان آلودگی‌های معنوی و باطنی بکار رفته است، در آیه تطهیر نیز این واژه به معنای آلودگی ظاهری نیست، بلکه پلیدی‌های معنوی و باطنی را نیز در بر می‌گیرد که افراد گنه کار وجود دارند و آن جز نا فرمانی از دستورات خداوند، چیزی دیگری نمی‌تواند باشد. پاکی و منزه بودن انسان از چنین آلودگی ها، ملازم با عصمت و پیراستگی از گناه است.

گواه این مطلب جملة «**یطهّرکم تطهیرا**» است که به عنوان تأکید جملة قبل «**لیذهب عنکم الرجس**» بکار رفته است و همین تعبیر در سوره آل عمران در باره حضرت مریم سلام الله علیها بکار رفته است که این تطهیر جز پاکی از پلیدهای روحی ومعنوی که ملازم با عصمت می‌باشد چیزی دیگر نیست (جعفر سبحانی،١٣٦٦: ٥، ٢٨٣)

مصداق اهلبیت

باتوجه به مفهوم اهلبیت از نظر لغت و عرف، مراد خداوند از این کلمه در آیه کریمه جز خمسه طیبه علیهم السلام کسانی دیگر نمی‌تواند باشد روایت فریقین که انشاء الله بیان خواهد شد می‌تواند این

مطلب را روشن نماید، اما در مقابل، عده‌ای از مفسّران، همسران پیامبر«ص» را مراد آیه کریمه دانسته اند. استدلال این گروه آن است که ابتدا و انتهای آیه در بارهٔ همسران آن حضرت می باشد، پس مراد از اهلبیت در آیه همان ها هستند.

در جواب این استدلال گفته می‌شود:

اولاً: در میان فصحاء عرب رسم است که در اثنای کلام خطاب را متوجه به غیر می‌کند و در قرآن از این قبیل بسیار ذکر شده است. (طبرسی، بی‌تا: ۸، ۳۵۷) در موارد فراوان می‌توان یافت این صنعت « التفات» را یافت مثل آیه ٥٤ اسراء که مخاطب خداوند در صدر آیه مردم است ودر ادامه آیه پیامبر است.

ثانیاً: روایات دلالت بر این مطلب دارند که پیامبر «اهلبیت» را به خمسهٔ طیبه علیهم‌السلام تفسیر فرموده اند.

ثالثاً از چند جهت احراز می‌شود که سیاق آیهٔ تطهیر با سیاق آیات قبل و بعدش یکسان نیست، بلکه متفاوت است.

(الف)- سیاق آیات مربوط به همسران آن حضرت همراه با عتاب است، چنانکه از دقت و تأمل در آیات ۲۸ به بعد استفاده می‌شود که هیچ گونه تمجید و ستایش از همسران آن حضرت در آیات مطرح نیست. در حالیکه سیاق آیهٔ تطهیر سیاق مدح و ستایش است که باتوجه با احادیث ذیل آیه روشن خواهد شد. (محمد باقر مجلسی،۱٤۰۳ق،۳٥، ۲۳٥)

رابعاً: تنها واقع شدن يك آيه بدنبال آية ديگر - با اينكه احراز نشده است كه آيات با هم نازل شده باشد- نمی‌تواند موجب انعقاد سياق شود، زيرا در سياق شرط است كه احراز شود نزول آيات با هم ديگر صورت گرفته باشد، همين كه شك كنيم در اين جهت، نمی‌توانيم وجود سياق را احراز كنيم. (علامه طباطبایی، بی‌تا:١٦، ۳۱۰)

خامساً: آیه تطهیر شأن نزول مستقل دارد و آیات مربوط به همسران پیامبر نیز دارای شأن نزول مستقل می‌باشند که بر حسب آن بعضی همسران ایشان بیش از حد استحقاق خود، درخواست نفقه کرده بودند و آیات مذکور بدین مناسبت نازل گردید. «یا ایها النبی قل لازواجك ان كنتنّ تردن الحياة الدنيا و زينتها فتعالين امتعكن و اسرحكنّ سراحاً جميلاً».

(احزاب:۲۸) «ای پیامبر به همسرانت بگو اگر شما این گونه هستید که زندگی دنیا و زینت‌های آن را دوست دارید پس بیایید تا شما را از آن بهره مند گردانم و شما را به گونه‌ای زیبا رهایی بخشم». در کتب حدیث شیعه و عامه این قسمت از آیه ۳۳ احزاب- که همان آیه تطهیر است- به تنهایی «آیه» شمرده شده، در کتب روایی تفسیری شیعه مانند نور الثقلین و البرهان، احادیث فراوان در این زمینه ذکر شده است در احادیث عامه نیز زیاد بچشم می‌خورد که اشاره به این مطلب دارند. به عنوان مثال نمونه حسکانی در شواهد التنزیل ۱۳۸ حدیث در این زمینه نقل کرده است.(حسکانی: بی‌تا: ۲، ۸۰الی ۱٤۰)

ممکن است وجه آیة تطهیر در ضمن آیات مربوط به همسران آن حضرت این باشد که خداوند خطاب را از آن ها برگردانیده و متوجه اهلبیت‌علیهم‌السلام شود، و چنین گوش زد نماید که اگر این وظائف مهم را برای اطرافیان و همسران آن حضرت قائل شده ایم و اگر وعده‌های مضاعف را می‌دهیم، چون در بین آن وابستگانی هستند که من طهارت و پاکی را برای آنها خواسته ام و حریم آن ها آنقدر مقدس است که دیگران باید حریم آنان را نگه دارند و از این جهت تکلیف سختی در پیش خواهند داشت و نیز برای همسران آن حضرت بفهماند، شما در خانواده ای هستید که پنج معصوم الهی نیز در آن خانواده قرار دارند، پس رعایت حرمت آنها بر شما و تمام مسلمین لازم است. از این جهت است که تکلیف زنان پیامبر سنگین گردید و به آنها وعدهٔ اجر و عذاب مضاعف داده شد. (قاضی الدین حسینی تستری، بی‌تا:۲، ۵۷

علامه طباطبائی در توضیح مفهوم اهلبیت‌علیهم‌السلام می‌گوید: «در عرف و لغت «اهل البیت» وخانوادة مرد به کسانی گفته می‌شود که هر کدام عضو جامعة کوچك منزل وی باشد مانند: زن، پسر، دختر و خدمت کار، که اینها جمعاً در شعاع زندگی صاحب خانه زندگی می‌کنند ولی گاهی در معنای «اهلبیت» تعمیم داده می‌شود و این کلمه در مورد خویشاوندان نزدیك مانند پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آن ها نیز استعمال می‌شود، اما مراد از اهلبیت در کتاب و سنت هیچ کدام از این دو معنای عرفی نیست، زیرا طبق روایات خاصه وعامه، اهلبیت نام و موهبتی است که به پیامبر، امام علی، فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین‌علیهم‌السلام، اختصاص دارد و لذا اهل خانه و خویشاوندان دیگر را با اینکه

بر حسب عرف و لغت «اهل البیت» شمرده می‌شوند شامل نمی‌شود. حتی از خدیجه کبری علیهاالسلام که یکی از گرامی ترین و با فضیلت ترین همسران آن حضرت، مادر فاطمه زهرا علیهاالسلام می‌باشد، و هم از چنین ابراهیم که پسر حلبی آن حضرت است از اهل البیت به این معنای خاص نمی‌توان شمرد.

بموجب روایات کثیره که آمده است نُه تای دیگر از امامان معصوم که از نسل امام حسین علیه‌السلام هستند اهلبیت محسوب می‌شوند، بنابر این اهلبیت چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشند، معمولاً «اهل البیت» به سیزده تن که بعد از پیامبر اکرم عترت آن حضرت است گفته می‌شود اهلبیت دارای فضایل و مناقب زیادی هستند که مهمترین آن عبارت است از:

(الف)- به موجب آیة تطهیر آنها دارای مقام عصمت وطهارت می‌باشند که به مقتضای این مقام هرگز گناه از ایشان سر نمی‌زند.

(ب)- به موجب حدیث نبوی متواتر و مورد اتفاق فریقین (ثقلین) عترت همیشه با قرآن است، هرگز جدایی میان این دو نمی‌افتد و آن ها برای فهم معانی بلند قرآن ومقاصد دین دچار لغزش و خطا نمی‌شوند. لازمة این دو مقام این است که قول و فعل اهلبیت علیهم‌السلام در مورد و درك حقایق حجت باشد (علامه طباطبایی، اموزش عقائد،۱۳٦۷: ٤، ۷۷) (چنانکه شیعیان به آن معتقد هستند).

روایات ذیل آیه

روایات زیادی در منابع تفسیری و روایی شیعه و اهل سنت آمده است، که بوضوح از آنها استفاده می‌شود منظور از «اهلبیت» علیهم‌السلام در آیه تطهیر تنها خمسة طیبه علیهم‌السلام می‌باشد و همسران آن حضرت به هیچ وجه جزء «اهلبیت» به آن معنای خاصی که در آیه تطهیر مقصود است نیستند.

روایات از طرق مختلف نقل شده است: ۱. از امیر المؤمنین علیه‌السلام .۲. فاطمه زهرا علیهاالسلام. ۳. امام حسن علیه‌السلام. ٤. انس بن مالك. ٥. براء بن عازب انصاری. ٦. جابر بن عبدالله انصاری. ۷. ابوسعید خدری. ۸. عبدالله بن عباس. ۹. سعد بن وقاص. ۱۰. سعد بن مالك. ۱۱. عبدالله

بن جعفر طیار. ۱۲. عایشه. ۱۳. ام سلمه. ١٤. ابی سلمه. ١٥. واثل بن اسقع. ١٦. ابی الحمراء. این تعداد را حاکم حسکانی از محدثین مشهور حنفیه در شواهد التنزیل آورده که در همه احادیث مراد از اهلبیت در آیه ای تطهیر همان خمسه طیبه دانسته شده است. که به اصحاب کساء معروف است. (حسکانی، بی‌تا:۲، ۸۰الی ١٤٠)

احادیثی که در این رابطه بیان شده است به چند دسته می‌توان تقسیم کرداست:

(الف) احادیثی که اهلبیت در آن ها به علی وفاطمه زهرا وامام حسن و امام حسین‌علیهم‌السلام تفسیر شده است مانند:

۱. روایت در اصول کافی از امام صادق‌علیه‌السلام به این مضمون نقل شده است که حضرت می‌فرماید: اگر رسول خدا سکوت می‌کرد، اهلبیت را معرفی نمی‌کرد که چه کسانی می‌باشند، هر آینه دیگران ادعا می‌کردند که ما از اهلبیت هستیم، اما خداوند در تصدیق پیامبرش این آیه را نازل فرمود: «إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت» . (کلینی بی‌تا: ۱، ۲۸۷)

۲. روایت در کتاب المستدرك علی الصحیحین نیشابوری از عبدالله بن جعفر نقل شده است، به این مضمون: «هنگامی که پیامبر به رحمت الهی که از آسمان فرود می‌آمد نظر انداخت فرمود: برایم فرا خوانید، صفیه گفت: یا رسول الله، چه کسی را فرا خوانیم؟ حضرت فرمود: اهل بیتم را، علی و فاطمه، امام حسن و امام حسین‌علیهم‌السلام را. پس از آنکه ایشان را آوردند پیامبر اکرم کساء خویش را بر آنان افکند. سپس دستهای خویش را بلند کرد و فرمود: خدایا! اینان خاندان من هستند، بر محمد و خاندان او درود بفرست، و خداوند آیة «إنما یرید الله... » را نازل فرمود. (حاکم نیشابوری،۳۷۳ق:۳، ۱۴۸) حاکم نیشابوری در رابطه با این حدیث می‌گوید: «هذا حدیث صحیح الاسناد و لم یخرجاه» یعنی این حدیث صحیح است اگرچه بخاری ومسلم آن را در صحیح شان نیاورده اند. ایشان یکی از امامان بزرگ حدیث و رجال در نزد اهل سنت مطرح است احادیثی را که به نظر او شرط صحت نزد بخاری و مسلم را دارا بوده اند و آنان در کتاب شان ذکر نکرده اند آورده است.

۳. روایت از ابی سعید خدری از ام سلمه که ایشان گفته است آیه تطهیر در خانهٔ من نازل گردید «**إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً**» گفتم یا رسول

الله من از اهلبیت نیستم؟ فرمود: تو بسوی نیکی هستی و از همسران رسول الله می‌باشی ام سلمه گفت: «اهلبیت» رسول الله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام هستند.

(ب)- احادیثی که دلالت دارند پیامبر هر روز صبح یا در پنج وقت نماز بر در خانهٔ علی و فاطمه علیهما‌السلام می‌آمد و آیه تطهیر را بر آنان می‌خواند این احادیث با تعبیرات مختلفی آورده شده است برخی احادیث دلالت دارند که این کار به مدت یك ماه (ابی داود،۱٤۱۹ه: ۲۷٤) و برخی مدت چهل روز (سیوطی،۱٤۱٤: ٦، ٦۰٦) برخی شش ماه (ابن کثیر، ۱٤۱۹: ۳، ٤۹۲) هفت ماه (طبری،۱٤۱۲: ۲۲، ٦) تا هشت ماه (شوکانی،۱٤۱٤ق: ٤، ۳٥۰) و نه ماه وهفده ماه نیز ذکر شده است.

نکته قابل توجه در احادیث این است که هرکدام مدت خاصی را یاد آور شده است اما اینها منافات با همدیگر ندارند زیرا هر یکی از صحابه مدتی را که با آن حضرت بوده است یاد آور شده است و صدور این کار، پیاپی از رسول الله در این مدت طولانی می‌تواند یادآور این حقیقت باشد که واژه «اهلبیت» علیهم‌السلام پس از آنکه در معنای عرفی استعمال می‌شده در این استعمالات معنای اصطلاحی جدید که علی و فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و یا به ضمیمه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌باشند بکار رفته و وضع جدید پیدا کرده است.

این نکته بسیار مهم است در مورد این واژه «اهلبیت» در اکثر احادیثی که در رابطه با آیه تطهیر مطرح است و حدیث ثقلین وسفینه و مانند اینها قابل توجه و چشمگیر است.

(ج)- احادیثی ك بدون در نظر داشتن جا و مکان خاص نزول آیه را در باره پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام دانسته است.

۱. از ابی سعید خدری روایت به این مضمون نقل شده است: پیامبر فرمود: این آیه درباره پنج تن نازل شده است، درباره خود من، علی، حسن، حسین و فاطمه علیهم‌السلام. (طبری،۱٤۱۲: ۱۰/ ٥)

۲. از ابی سعید خدری روایت شده که گفت:آیه «**إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا**» در باره پنج تن نازل شده است و آنان را نام برد: رسول الله وعلی فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام. (ابن عساکر، ۱٤۱٥ق:۱۳، ۲۰٦)

و نیز از ابی سعید خدری روایت شده است که (عطیه) گفت: از وی سؤال کردم اهلبیت

کیست؟ ابو سعید در پاسخ گفت: پیامبر و علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند. (همان:۲۰۷)

۳- از ام سلمه روایت است که گفت: این آیه (تطهیر) در بارهٔ پیامبر خدا و فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل گردیده است. (الطحاو، ۱٤۱۵ق:۱، ۳۳۲)

احادیثی که ذکر شد در رابطه با معرفی اهلبیت در ذیل آیه تطهیر تنها بخش کوچکی بود که اکثراً در کتب حدیثی اهل سنت آمده اند. و احادیث زیاد دیگری از این قبیل در کتب معتبر اهل سنت ذکر شده است که بدلیل طولانی شدن بحث به همین مقدار اکتفا می‌شود.

چگونگی دلالت آیه تطهیر بر عصمت سائر ائمه علیهم السلام

از آن جا که بر اساس اعتقاد شیعیان غیر از پنج تن آل عبا علیهم السلام نُه امام بعدی از فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام نیز پاك و مطهر و دارای عصمت هستند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا از این آیه می‌توان چنین استفاده ای نمود؟

در پاسخ باید گفت: برای تشخیص تعداد معصومین ما به بیش از یك معصوم نیاز نداریم؛ لذا اگر دلیل بر عصمت یك نفر از آن ها داشته باشیم کافی است وعصمت سائرین از طریق او شناخته خواهد شد. (حسن یوسفیان،احمدحسین شریفی۱۳۸۸: ۳۲۰)

اما ائمه بعد از امام حسین اگر چه در زمان نزول آیه تطهیر تولد نیافته بودند، اما آنچه در ذیل می‌آید قطعاً در کنار سایر اصحاب کساء جای داشتند و انحصار در پنج تن از قبیل تطبیق آن بر موجودین است و به معنای عدم شمول نسبت به سایر ائمه علیهم السلام نیست. برای اثبات مدعای فوق، به تمام آنچه در مورد یکسان بودن همه ١٤ معصوم علیهم السلام وارد شده است، می‌توان استدلال نمود و به جهت رعایت اختصار به یك مورد بسنده می‌شود:

«قلت لابی عبدالله ایما افضل الحسن ام الحسین؟ فقال ان فضل اولنا یلحق بفضل آخرنا و فضل آخرنا یلحق بفضل اولنا وکل له فضل، قال: قلت له: جعلت فداك وسّع علی فی الجواب فإنی والله ماسألتك الا مرتاداً. فقال: نحن من شجرة طیبة بدانا الله من طینة واحدة فضلنا من الله، علمنا عندالله و نحن امناء الله علی خلقه والدعاة الی دینه والحجاب فیما بینه و بین

خلقه. أزیدك یازید؟ قلت: نعم، فقال: خلقنا واحد و فضلنا واحد و کلّنا واحد عندالله فقال: اخبرنی بعدتکم فقال: نحن اثنا عشر هکذا حول عرش ربنا عزوجل فی مبتدا خلقتنا اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا محمد». (مجلسی، ۱۳٦۷: ۲۵، ۳٦۳)

اشکالات مطرح شده و پاسخ آنها

۱. مراد از اراده اگر در آیه تکوینی باشد، دلالت قطعی بر طهارت معنوی اهلبیت دارد و این تخلف ناپذیر است و مستلزم جبر می‌شود.

جواب: ارادـ تکوینیی مستلزم جبر خواهد بود که اراده و اختیار آن در انجام عمل شان واسطه نباشد ولی اگر ارادة تکوینی خداوند بر این تعلق گرفته باشد که اهلبیت بر اساس بینش و آگاهی و اختیار، از پلیدی ها و گناه و معصیت به دور باشد، تعلق اراده به این کیفیت نه تنها مستلزم جبر نیست، بلکه تأکید کنندة اختیار و نفی کنندة جبر خواهد بود. زیرا عصمت بدین گونه تعریف شده است:

«عصمت عبارت است از بینش و آگاهی گسترده و عمیق که در شخص معصوم وجود دارد که باوجو آن هیچ‌گاه از اطاعت الهی انحراف پیدا نکرده و به معصیت وگناه گرایش پیدا نمی‌کند که با وجود این بینش و آگاهی، مفاسد گناهان آنچنان واضح و روشن است که با آن درجة از وضوح محال است آن ها اختیاراً به انجام گناه اقدام نمایند». (سبحانی، ۱۳۸۳: ۵، ۲۸۹)

۲. تعبیر اذهاب که به معنای بردن است و اطلاق تطهیر که به معنای پاکیزه کردن است در جایی بکار می‌رود که پلید وجود داشته باشد و این طور از آیه فهمیده می‌شود که اهلبیت قبلاً دارای پلیدی و گناه بوده اند که الان از آن ها بر طرف شده و آن ها از آن پاکیزه شده اند.

جواب: اذهاب در جملة «لیذهب عنکم الرجس» به «عن» متعدی شده است به معنای دور نمودن پلیدی ها از اهل بیت(علیهم السلام) است و این اراده قبلاً بوده و هم چنان استمرار یافته است؛ نه اینکه حالت خلاف آن در اهلبیت وجود داشته باشد و خداوند آن را دور ساخته باشد تطهیر در این جا نیز به معنی پاك ساختن چیزی که قبلاً فاقد آن بوده نیست، بلکه این پاکی در اهلبیت از بدو امر در وجود آنان بوده است. (حسن یوسفیان، احمد حسین

شریفی،۱۳۸۸: ۳۲۱) که آیة ۲۵ بقره اشاره به همین مطلب دارد «**و لهم فیها ازواج مطهرة**» برای آنان در بهشت همسرانی پاك قرار داده شدند. و شاهد قطعی بر اینکه در اذهاب وتطهیر این معنا منظور است این است که شامل بودن پیامبردر اهلبیت قطعی است و معلوم است که آن بزرگوار از آغاز معصوم بوده نه اینکه قبل از نزول آیه تطهیر معصوم نبوده و بعد از آن دارای عصمت شده باشد و لذا در مورد باقی اهلبیت نیز باید چنین باشد و گرنه لازمه اش استعمال لفظ اذهاب و تطهیر در مورد پیامبر و خاندانش به دو معنای مختلف خواهد بود که به هیچ وجه نیست. (سبحانی،۱۳۸۳: ۵، ۲۹٤)

بنابر مطالب که ذکر شد می‌توان گفت معنای «إنّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس» نه این است که خداوند ارجاس و پلیدی و آلودگی‌های موجود را رفع کرده باشد بلکه به این معنا است که اسباب و شرایط حصول رجس وآلودگی را در انسان‌های معصوم از بین برده است.

۳- در آیه تطهیر دلالتی وجود ندارد که این طهارت ویژه برای اهلبیت «قبل از نزول آیة تطهیر» محقق بوده است فقط اشاره به این دارد که خداوند این موضوع را اراده خواهد کرد، زیرا در این جا «یرید» فعل مضارع است واستقبال را می‌فهماند و فقط امکان وقوع تطهیر را در آینده می‌رساند و دلالت بیش از این ندارد (همان: ۲۹۲)

جواب: اولاً: «یرید» که فعل خداوند می‌باشد دلالت بر استقبال ندارد واستعمال مشابه آن در آیات این مطلب را روشن می‌سازد. مانند این آیات: ﴿**یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم...**﴾ و ﴿**و الله یرید أن یتوب علیکم...**﴾ و ﴿**یرید الله ان یخفف عنکم**﴾ (نساء: ۲۸- ۲٦) و با این وصف معنای آیه این خواهد بود که خداوند هم چنان اراده دارد و ارادة الهی هم چنان مستمر است.

ثانیاً: شامل بودن اراده نسبت به پیامبرﷺ مؤکد این معنا است زیرا در مورد آن حضرت چنین نبوده است که قبلاً چنین اراده نبوده و بعد حاصل شود. زیرا آن حضرت از قبل دارای طهارت بوده است ومعلوم است که استعمال «یرید» در مورد آن حضرت بگونه ای و در مورد بقیه اهلبیت به گونه ای دیگر نیست.

دلالت آیه تطهیر و عصمت امام از سهو و اشتباه

دانشمندان شیعه دلالت آیه تطهیر را بر عصمت از خطا و اشتباه چنین تقریر می‌کنند:

حرام و گناه ارتکابش چه عمداً چه سهواً - بنابر عقیده شعیه و معتزله- مفاسد واقعی دارد که همان علت، نهی از آنها است. مثلاً شراب به خاطر اینکه سُکر آور است (مست کننده) حرام شده وستم از آن جهت که موجب ضرر است اگر چه سهواً و خطاءً از انسان سرزند - اگر چه تکلیف مشروط به قدرت و التفات است- اثر وضعی حرام را دارد و قبح ذاتی آن از بین نمی‌رود، بلکه صورت دیگری از پلیدی (رجس) بشمار می‌آید، زیرا کسی که از روی اشتباه شراب می‌نوشد یا ستم را مرتکب می‌شود، اگر چه از روی عمد نباشد تا مستحق عذاب نگردد اما اثر وضعی آن مثل مستی و نقص روحی تحقق پیدا می‌کند که چنین چیز با مقام عصمت منافات دارد. (مرتضی عاملی، ۱۳۷۲: ۱۷۷)

عقل و آیه تطهیر

عقل حکم می‌کند پاکانی که حقایق علوم قرآن مکنون را بصورت تام و کامل دریافت کرده اند و مصداق واقعی «**لایمسّه الا المطهّرون**» (واقعه: ۷۹) می‌باشند و از هر رجس و پلیدی و گناه بدورند و مصداق «**ویطهّرکم تطهیراً**» (احزاب: ۳۳) هستند، زوجات پیامبر نمی‌توانند باشند، چرا که هیچ عاقلی چنین مدعی نیست که همسران پیامبر از مقام علمی و معنوی فوق الذکر یعنی: آگاهی از همة حقایق و علوم قرآن برخوردار بودند، در حالیکه بعضی آن ها زنان عامی ساده و بی سواد در حد سایر مردم عادی عرب آن دوره قرار داشتند و هیچ وقت خودشان نیز چنین ادعای نداشته اند.

با اینکه این موضوع در تاریخ اسلام روشن است که عایشه یکی از زنان پیامبر با فرمان آن حضرت مخالفت کرد و فتنه جمل را ببار آورد، با اینکه پیامبر به او گفته بود مبادا آن زنی باشی ك سگ‌های حوأب بر او بانك زند. در احادیث بسیاری به این معنا اشاره شده مثل بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۷ در فراز از حدیث مفصل که مرحوم مجلسی از ارشاد القلوب نقل نموده پس از آنکه پیامبر مطالبی به همسران فرمودند عایشه گفت ما در هیچ موردی با شما مخالفت

نکردیم، حضرت فرمودند: «خالفت امری اشد خلاف و ایم الله لخالفن قولی هذا لعصینه (علی‌علیه‌السلام) بعد و لتخرجن من البیت الذی اخلفك فیه متبرجةً قد حفّ بك من فئام الناس فتخالفینه ظالمة له عاصیة لربك و لتجنبك فی طریقك کلاب الحوأب. هم چنین و او را از بر پا نمودن چنین فتنه ای نهی نمودند: از قرآن نیز این نکته استفاده می‌شود در همین آیه تطهیر می‌فرماید: «**وقرن فی بیوتکنّ**» در خانه‌های تان بمانید، اما او با امر پیامبر مخالفت کرد، لذا چنین فرد از زنان پیامبر که مخالفت عملی با فرمان پیامبر نمود قطعاً از مصداق آیه تطهیر خارج است.

نتیجه

تا این جا از مفاد آیه و روایت ذیل آیه و مراجعه به عقل سلیم فهمیده می‌شود، این است که مراد از اهلبیت‌علیهم‌السلام در آیه تطهیر. آنان که مصداق واقعی و حقیقی این طهارت و پاکی هستند همان پیامبر امام علی و حضرت فاطمه زهرا وامام حسن و امام حسین و هم چنین ائمه نُه گانه‌علیهم‌السلام هستند . براستیکه آنها هدایتگران راستین برای بشریت ودارای عصمت اند و تلاش برای اینکه همسران آن حضرت را در زمرة اهلبیت‌علیهم‌السلام جای دهند، تلاش بی‌ثمر و بر خلاف نصّ قرآن خواهد بود.

خداوند در سوره تحریم می‌فرماید: «اگر شما دو تن (زنان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم) به سوی خداوند بازگشتید، پس قطعاً در گذشته قلب شما دو تن به باطل منحرف شده بود و اگر (توبه نکردید علیه پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به پشت گریم یکدیگر ادامه دادید، پس قطعاً) این خداوند است که پشتیبان اوست، حضرت جبرئیل و صالح مؤمنین نیز پشتیبان ایشان خواهند بود؛ و همهٔ فرشتگان بعد از آنها نیز از ایشان پشتیبانی خواهند نمود». (ترجمه آیه ٤سوره تحریم)

از جبهه گیری خداوند، جبرئیل، صالح مؤمنین و سپس فرشتگان در برابر دوتن از زنان آن حضرت، حکایت از جرم سنگین این دو دارد که موجب غضب الهی شده است. خداوند این چنین علیه آنان لشکر کشی نموده است. عجیب‌تر اینجا است که خداوند به توبه آنها بی‌اعتنا است؛ بجای مغفرت سابقه آنها را به رخ شان می‌کشد که این برخورد با آنها نهایت وقاحت آن

دو تن را می‌رساند، پس دو تن از زنان پیامبر قطعا و به صریح قرآن از شمول آیه تطهیر خارجند، بقیه نیز همین حکم را خواهند داشت. اگرچه در مراتب متفاوت از تقوی قرار داشته باشند و در آیه خداوند، فرشتگان و صالح مؤمنین بعنوان پشتیبانان پیامبر یاد شده است. صالح المؤمنین در اینجا همان گونه که زمخشری بدان تذکر می‌دهد مفرد است، (زمخشری، تفسیرکشاف، ذیل آیه سوره تحریم.) پس اراده جمع از آن، خلاف ظاهر و بدون دلیل ادبی و قرآن است. عنوان «صالح المؤمنین» در میان عنوان جبرئیل و ملائکه واقع شده است، خصوصاً که پشتیبانی فرشتگان بعد از پشتیبانی صالح المؤمنین مطرح شده است و با تعبیر «بعد ذلك» بر آن تأکیده شده است، نشان می‌دهد که پشتیبانی صالح المؤمنین بالاتر یا اقلاً در ردیف آنها است. این ممکن نیست مگر آنه صالح المؤمنین، از عصمت برخوردار باشد تا ولایت تکوینی الهی اش او را بر ملائکه برتری یا اقلاً همطرازی بخشد و الا غیر معصوم دارای چنین صلاحیت نیست که روایات متواتر فریقین وارده شده است شخصی در آیه از او به صالح المؤمنین تعبیر شده است، امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌باشد. (نقی پورفر، ۱۳۸۰: ۲۵۹)

اکثر مفسرین، این آیه را خطاب به عایشه و حفصه می‌داند. (فخر رازی، بیتا: ۳، ٤٠) که آنها علناً پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند که چنین چیزی از کبائر محسوب می‌شود. (طبایی‌طبایی،۱۳۹۳، ۱۹، ۳۳۱) چنانچه خداوند در آیه ۵۳ سوره احزاب می‌فرماید: ﴿**إن الذين يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الإخرة**﴾ و در آیه ٦١ سوره توبه می‌فرماید:﴿**والذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم**﴾.

کتابنامه

احقاق الحق، شهید قاضی الدین حسینی تستری، انتشارات اسلامیه، تهران، بی‌تا.

الاربعین فی فضائل مولانا امیرالمؤمنین «علیه السلام»، محمد رضا بانی کاشانی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳.

اصول عقائد اسلامی، جعفر سبحانی، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ۱۳۷۲ ش.

اطیب البیان فی التفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، انتشارات اسلامیه، تهران، ١٣٦٦ش.

اعلام الوری بأعلام الهدی، علامه طبرسی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، بی‌تا.

الامامة والولایة فی القرآن، جمعی از محقیقن، مطبعة الخیام، ۱۳۹۹ ه ق.

امامت از دیدگاه عقل و نقل، جعفر کریمی، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، بی‌تا.

امامت و رهبری، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ١٣٦٨ ش.

الامثل فی القرآن، ناصر مکارم شیرازی، المطبعة امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، ۱۳۷۹ ش.

آموزش عقائد و دستورهای دینی، علامه محمدحسین طباطبائی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ١٤١٢ه ق. ١٣٦٧ ش.

انوار العرفان، فی التفسیر القرآن، ابوالفضل داور پناه، انتشارات عرفان، تهران، ١٣٦٩.

انوار درخشان در تفسیر قرآن محمد حسینی الهمدانی، کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۳۸۰ ق.

اهلبیت درآیه تطهیر، علامه سید جعفرمرتضی، مترجم محمد سپهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ ش.

بحار الانوار،علامه محمد باقر مجلسی، مؤسسه وفائی، بیروت، ١٤٠٣ه ق.

البحر المحیط، ابی حیان اندلسی، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.

بدایة المعارف، سید محسن خرّازی، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.

بر کرانهٔ غدیر، محسن سبزواری، انتشارات آفتاب، ۱۳۸۱ ش.

بررسی شخصیت اهلبیت علیهم السلام در قرآن، دکتر ولی الله نقی‌پور فر، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۸۰ ش.

البرهان فی التفسیر القرآن، علامه سید هاشم بحرانی، انتشارات آفتاب، تهران، ۱۳۳٤ ه ق.
البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی، دار المعرفة، بیروت، بی تا.
بصائر الدرجات فی فضائل آل محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله، مرحوم ابوجعفر محمد بن الحسن بن فرّوخ الصفّار القمی، مکتبة مرحوم آیة الله العظمی مرعشی نجفی، ۱٤۰٤ ۷ ق.
پاسخ و پرسش‌ها از دیدگاه تشیع و تسنن، مؤسسه آموزش و پژوهش مذاهب اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
پژوهش در عصمت معصومان، حسن یوسفیان و احمدحسین شریفی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان، مکارم شیرازی، مدرسة الامام علی علیه‌السلام قم، ۱۳۷٦ ش.
پیرامون معرفت امام، صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه علیهاالسلام، قم، بی‌تا.
تاریخ اسلام، دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۷۲ش.
تاریخ مدینة دمشق، ابن عساکر، دارالفکر، بیروت، ۱٤۱۵ ه ق.
التبیان فی التفسیر القرآن، شیخ طوسی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
تدبّر در قرآن، ابوالفضل موسوی گرمارودی، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
تذکرة الحفاظ، ابوعبدالله شمس الدین ذهبی، دارالکتب العلمیة، بیروت، بی‌تا.
ترجمة اعتقادات صدوق، سید علی قلعه کهنه‌ی، انشارات قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷ش.
ترجمه اصول کافی، مرحوم کلینی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۲ش.
ترجمه امالی صدوق، رضا استادی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳٦٤ش.
تفسیر اثنی عشر، حسین بن احمد حسین شاه عبدالعظیمی، انتشارات میقات، ۱۳۳٦ ه ق.
تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن کثیر، مکتبة التوفیقة، مصر، بی‌تا.
تفسیر القمی، ابوالحسن علی بن ابراهیم القمی، منشورات مکتبة الهدی، نجف اشرف، ۱۳۸۷هـ ق.
تفسیر الکشاف، محمود بن عمر زمخشری، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳٦۷ ه ق.
تفسیر المراغی، حمد مصطفی مراغی، دارالفکر، بیروت، ۱۳٦۵ ه ق.
تفسیر المنار، رشید رضا، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
تفسیر بیضاوی، عمر محمد بن بیضاوی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۱٦ ه ق.
تفسیر تسنیم، جوادی آملی، انتشارات اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش.

تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ١٣٧٤ ش.
تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف لاهیجی، مؤسسه مطبوعات علمی، ١٣٦٣ ش.
تفسیر کبیر، فخررازی، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
تفسیر کنزالدقائق، میرزا محمد مشهدی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ١٤١٠ه ق.
تفسیر مجمع البیان، مرحوم علامه طبرسی، دار الحیاة، بیروت، بی‌تا.
تفسیر مقنیات الدرر، سید علی حائری تهرانی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٣٧ه ق.
تفسیر منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی، چابخانه محمد حسن اعلمی، تهران، ١٣٣٦ ه ق.
الجامع احکام القرآن، قرطبی، دار الفکر، بیروت، ١٤٢٢ ه ق.
الجواهر الثمین فی التفسیر الکتاب المبین، سید عبدالله شُبّر، مکتب الفین، بیروت، بی‌تا.
خدا و پیامبران، جعفر سبحانی، مترجم رضا استادی، انتشارات توحید، قم، ١٣٥٩ ش.
الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین ابی بکر سیوطی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
دلائل الصدق، محمد حسن مظفر، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
عصمت انبیاء و رسولان علیهم‌السلام/مرتضی عسکری؛ مترجم محمد جواد کرمی.
عصمت انبیاء ورسولان، سید مرتضی عسکری، مترجم محمد جواد کریمی، مجمع الاسلامی، ١٣٧٧ ش.
عقائد اسلامی، شیخ مفید، مترجم علی کاظمی، انتشارات میثم، بی‌تا.
علم الیقین فی الاصول الدین، محسن کاشانی، انتشارات بیدار، ١٣٥٨ ش.
العین، خلیل احمد فراهیدی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ١٤٢٠ه ق.
الغدیر، علامه عبدالحسین امینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ١٣٦٦ ش.
کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد متن خواجه نصیرالدین طوسی و شرح علامة حلّی، مترجم شیخ ابوالحسن سعرانی، کتاب فورشی اسلامیه، ١٣٩٨ه ق.
کفایة الاصول،ا محمدکاظم الخراسانی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ١٤٢٣ ق.
مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، المکتب المرتضویه، بی‌تا.

مجمع علمی اسلامی ۱۳۷۷
مسند احمد بن حنبل، دارالصدر، بیروت، بی‌تا.
مصباح المنیر، فیومی، جامع الازهر، مصر، ١٣٤٧ ه ق.
معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، دارالکتب العلمیة بیروت، ١٣٢٠ ه ق.
مفردات راغب، حسین راغب اصفهانی، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
المنجد الطلاب، دارالمشرق، بی‌نا، بی‌تا.
منشور جاوید، جعفر سبحانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ١٣٦٦ ش
المیزان فی التفسیر القرآن، علامه محمد حسین طباطبائی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ق.